



Analytical Semantics of the Verse "Say, What Would My Lord Care for You If Not for Your Supplication? For You [Disbelievers] Have Denied, So Your Denial Is Going to Be Adherent" from Sunni and Shi'ite Viewpoints

Mohsen Khoshfar¹
Zohreh Sadat Hosseini²
Sahar Dadkhah³

Received: 27/5/2018 | Accepted: 21/12/2018

Abstract

The commentators' disagreement about the meaning of the 77th verse of Surah al-Furqan has led to two major approaches in terms of its interpretation. In the first one which is more common, the verse denotes the worth of prayer for God considering the value of every human as much as his prayers. However, the second approach which has a warning view regards God's ultimatum as the main cause to address the deniers of Wahy (revelation) and disbelievers in God. The contributing factor for the above disagreement relies in these two points: 1. the exact meaning of "prayer" and whether it is used in its lexical or idiomatic meaning, 2. the syntactic combination of "Do'akom" in the verse and whether "Kom" has the subjective or objective role. Exploring the extent of accuracy in each of the above semantic approaches is a serious issue which has been neglected yet. The descriptive analysis of the exegeses relying on five factors, namely 1. the addressee of the verse, 2. fact checking for either subjective and objective roles attributed to "Kom", 3. dating for the exegetical narrations, 4. the context and content of the verses in the aforementioned Surah, and 5. the analysis of the relative narrations shows that idiomatic meaning of the term "prayer" is not intended in the verse and the second approach is more appropriate.

Keywords: Comparative Semantics, Sunni and Shi'ite Exegesis, Verse 77 of Surah al-Furqan, Prayer

1 Assistant Professor, Department of the Qur'an, University of the Qur'an and Hadith | Mohsenkhoshfar@yahoo.com
2 M.A Student in Hadith Sciences (Narrative Exegesis), University of the Qur'an and Hadith | Zhaban363@gmail.com
3 (Corresponding Author) M.A Student in Hadith Sciences (Narrative Exegesis), University of the Qur'an and Hadith | Dadkhah.sahar@yahoo.com



معناشناسی تحلیلی آیه «قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِرِاْمًا» از منظر مفسران فریقین

محسن خوش‌فر^۱

زهرا سادات حسینی^۲

سحر دادخواه^۳

تاریخ ارسال: ۹۷/۰۳/۰۶ | تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۳۰

چکیده

اختلاف مفسران درباره آیه ۷۷ سوره فرقان، دو رویکرد عمده را نسبت به معنای این آیه موجب شده است. در رویکرد اول که رایج‌تر است، معنای آیه از جایگاه و منزلت دعا نزد خدا حکایت دارد و ارزش هر انسان را به اندازه دعای او می‌داند. اما رویکرد دوم با نگاهی انذار، اتمام حجت کردن خدا را دلیل اصلی مخاطب قرار گرفتن منکران وحی و کافران از جانب خدا می‌داند. عامل تأثیرگذار در این اختلاف دو چیز است: ۱. تعیین دقیق معنای «دعا» و تشخیص اینکه واژه دعا در معنای لغوی خود به کار رفته یا اصطلاحی. ۲. ترکیب نحوی عبارت «دعائکم» در آیه و نسبت دادن نقش فاعلی یا مفعولی به «کم». تعیین میزان درستی هر کدام از دو رویکرد معنایی، مسئله‌ای جدی است که تاکنون مغفول مانده است. بررسی تحلیلی-توصیفی تفاسیر با تمرکز بر پنج محور: ۱. مخاطب آیه. ۲. درستی آزمایشی هر کدام از نقش فاعلی و مفعولی برای «کم». ۳. تاریخ‌گذاری اقوال تفسیری. ۴. بررسی سیاق و مضمون آیات سوره. ۵. تحلیل روایات ذیل آیه؛ نشان می‌دهد معنای اصطلاحی دعا در این آیه مقصود نیست و رویکرد دوم در معنای آیه صحیح‌تر است.

واژگان کلیدی: معناشناسی تطبیقی، تفسیر فریقین، آیه ۷۷ سوره فرقان، دعا.

۱. استادیار گروه قرآن دانشگاه قرآن و حدیث | Mohsenkshosfar@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث، گرایش تفسیر اثری دانشگاه قرآن و حدیث | Zhaban363@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث، گرایش تفسیر اثری دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) | Dadkhal.sahar@yahoo.com

مقدمه

آیه ۷۷ سوره فرقان به عنوان شاهدهی برای تبیین جایگاه دعا نزد خداوند مشهور شده است. این شهرت اگرچه ریشه در اقوال تفسیری مفسران دارد؛ اما در کنار آن، وجوه معنایی دیگری نیز برای آیه مطرح است که به دلیلی نامشخص مغفول مانده و این معنا به عنوان معنای صحیح آیه در ذهن مخاطب امروز مرتکز شده است. مراجعه به تفاسیر نشان می‌دهد، برای این آیه معانی متعددی بیان شده و منشأ اختلاف، در معنای دعا و نقش ضمیر «کُم» است. بررسی تحلیلی تمام اقوال تفسیری ذیل آیه و توجه به قدمت و سازگاری آنها با ساختار محتوایی سوره، کاری ضروری است تا میزان درستی یا نادرستی معنای شهرت یافته برای آیه را بسنجد. بررسی پیشینه نشان می‌دهد، رویکرد مسئله محور در بررسی این آیه تا به حال وجود نداشته و هیچ تحقیق مستقلی برای معناشناسی تحلیلی آن صورت نگرفته است؛ بلکه معنای مشهور، همواره به عنوان پیش فرض موضوع محوری مقاله‌ها و کتاب‌های درباره دعا، در نظر گرفته شده است.^۱ برای تعیین میزان درستی هر یک از رویکردهای معنایی، ارزیابی توصیفی-تحلیلی تفاسیر ذیل آیه و مفهوم واژگان کلیدی آیه ضروری می‌نماید.

۱. مفهوم‌شناسی

معنای واژه‌های کلیدی آیه از دو منظر بررسی شده است: ۱. اهل لغت. ۲. مفسران.

۱-۱. عبأ

۱-۱-۱. معنای عبأ و ما یعبوا در کتب لغت

لغت‌شناسان برای این ریشه سه معنا بیان کرده‌اند: ۱. بار بردوش ناشی از زیان یا ضمانت (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۶۲). برخی بار ناشی از هر کالایی را نیز «عبء» می‌دانند (زیبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۲۵). ۲. وزن و سنگینی (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۱۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۵۴۵؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۹۱). ۳. نهایت آمادگی (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۸، ص ۹).

۱. به عنوان مثال، ن. ک به: سلمان پور، محمدجواد، «فرهنگ‌سازی امام سجاد^{علیه السلام} با زبان دعا»، فصلنامه اندیشه دینی، شماره ۱۷، ۱۳۸۴؛

شریفاتی، محمد، «تجلی توحید در ادعیه»، فصل‌نامه اندیشه دینی، شماره ۱۵، ۱۳۸۴.

می‌توان معنای اول و دوم را همانند تلقی کرد؛ زیرا اولی دلالت بر مصداق و دومی دلالت بر مفهوم می‌کند. صاحبان این دو نظر تهیاً و آمادگی را از معانی استعملی این ریشه دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۶۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۱۵).

با توجه به معنایی که برای این ماده در نظر گرفته شده، معانی زیر برای عبارت «ما عَبَأُ بِهِ» و «ما عَبَأْتُ بِهِ» ارائه شده است: ۱. «ما أَصْنَعُ بِهِ»، کاری با او ندارم. گویا او را کوچک می‌شماری و تحقیر می‌کنی (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۶۳؛ صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۷۵). ۲. «لَمْ تُبَالِهْ»، به او اعتنایی نمی‌کنی. گویا برای او هیچ ارزش و مقداری قائل نیستی. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۱۵؛ راغب، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۵۴۵). ۳. صرف نظر کردن از آمادگی برای مقابله یا مواجهه یا مخاطبت با کسی یا کاری (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۸، ص ۹).

۲-۱-۱. معنای عبأ و ما يعبأ در تفاسیر

مفسران در بررسی واژه «عبأ» سه معنای ۱. سنگینی (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۵۱۳؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۴، ص ۴۸۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۵۳؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۹، ص ۳۵)، ۲. تهیه و ساز کردن (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۹۲؛ طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۵۱۳؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۹، ص ۳۵؛ کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۵۹۴)، ۳. وزن و ارزش (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۹۷؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۹، ص ۳۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۱۵۳)، و برای عبارت «ما يَعْزُبُ» معنای ۱. مساوی بودن وجود و عدم (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۴، ص ۴۸۸؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۱۵۳؛ طبری، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۸۴؛ طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۵۱۳)، ۲. توجه نکردن (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۴، ص ۴۸۸؛ طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۵۱۳؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۹، ص ۱۰۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۹۷؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۴۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۵۳؛ کاشانی، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۹۹)، ۳. معادل معنای مایصنع و ما يفعل (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۹۲؛ طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۵۱۳؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۹، ص ۳۵؛ طبری، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۸۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۱۵۳) را برگزیده‌اند.

دقت در معنای ارائه شده از سوی لغویان و مفسران نشان می‌دهد که اختلاف معناداری در عبارت «ما يَعْزُبُ» وجود ندارد. بی‌اعتنایی تحقیرآمیز ناشی از کم‌ارزشی، جمع میان تمام

معانی است که در هر دو رویکرد به آیه مقبول است و تفاوت معناداری را در بررسی آیه ایجاد نمی‌کند.

۲-۱-۱. دعوی

۲-۱-۱-۱. معنای دعوی و مصدر دعا در کتب لغت

برای این ریشه معانی زیر بیان شده است: ۱. میل کردن چیزی به سمت تو، با صوت یا کلامی از جانب تو (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۷۹)، ۲. طلب کردن چیزی برای آنکه به سویی توجه یا رغبت شود یا به سمت آن حرکت شود (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۲۳۸). واژه «دعا» مصدر ثلاثی مجرد این ریشه است و به حسب مفعولی که دارد، دو معنا می‌پذیرد. این دو معنا اگرچه به هم نزدیک است، ولی یکی معنای لغوی و دیگری معنای اصطلاحی است.

الف. معنای لغوی: در این حالت که مفعول (مدْعُوٌّ) شخص یا چیزی غیر از خداست، معنا چنین است: صدا کردن کسی یا چیزی یا صیحه زدن بر کسی و توجه او را طلب کردن (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۹۴؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۲۳۳۷؛ زمخشری، ۱۹۷۹، ص ۱۸۹).

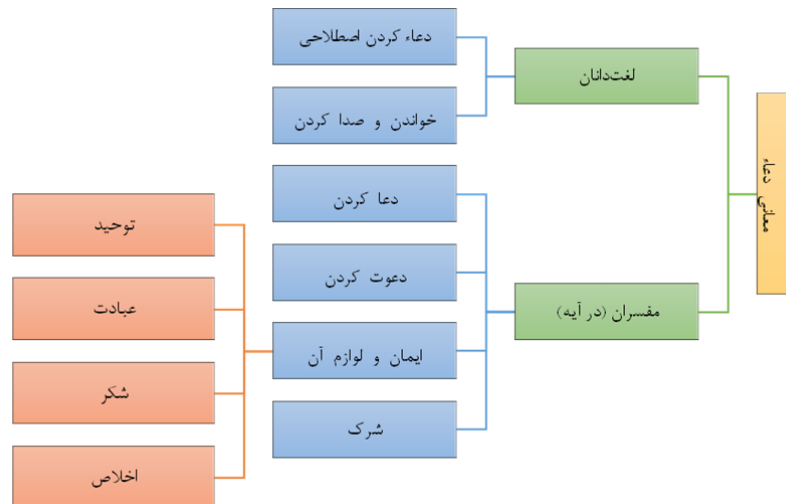
ب. معنای اصطلاحی: در این حالت، مفعول (مدْعُوٌّ) خداوند متعال است و معنای واژه همان معنای متعارف برای این واژه؛ یعنی درخواست با جِدِّ و جهد از خداوند متعال است (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۹۴؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۵۸؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۷۶).

۲-۲-۱. معنای دعا در آیه از نگاه مفسران

و جوه معنایی که مفسران برای دعا در این آیه بیان کرده‌اند عبارت‌اند از:

- دعا کردن: الف. خواندن خدا در سختی‌ها (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۴، ص ۴۸۹). ب. مطلق درخواست از خدا و استغفار؛ این معنا به ولیدبن ابی‌الولید منسوب است (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۴، ص ۴۸۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۳، ص ۸۵).
- شکر (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۴، ص ۴۸۹).
- ایمان. مکی این قول را به ابن عباس نسبت می‌دهد (ابن ابی‌حاتم، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۲۷۴۵؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۹، ص ۳۶؛ طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۵۱۳؛ مکی، ۱۴۲۹، ج ۸، ص ۵۲۶۹).

۴. توحید. قول زجاج بنابر گواهی مکی بن حموش و خزرجی (ابن ابی زمنین، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۸۰ خزرجی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۶۹؛ طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۵۱۳؛ مکی، ۱۴۲۹، ج ۸، ص ۵۲۶۹).
۵. عبادت. ثعلبی این معنا را منظور/بن عباس و مجاهد می داند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۱۵۳؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۵۴۸؛ هواری، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۱۹۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۹۷).
۶. اخلاص (هواری، همان، تیمی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۴۹۳).
۷. دعوت به: الف. اسلام (فراء، ۱۹۸۰، ج ۲، ص ۲۷۵؛ طبرانی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۸۴) و دین. ب. طاعت (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۱۴؛ طبرانی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۸۴؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۹، ص ۳۶؛ طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۵۱۳). ج. دعا. د. توحید (ماتریس، ۱۴۲۶، ج ۸، ص ۲۴۷). ه. شیء (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۹، ص ۱۰۴).
۸. اتمام حجت (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۲۴۵).
۹. امر کردن (دینوری، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۹۰).
۱۰. شرک (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۳۳۳؛ ابومسلم اصفهانی، ۲۰۰۹، ج ۴، ص ۲۷۲).
۱۱. ایمان، توحید، شکر، اخلاص و عبادت را می توان از یک ریشه دانست و در یک دسته گنجانند. زیرا به جز شکر، بقیه این معانی برداشت های متفاوت مفسران از روایت ابن عباس، ذیل این آیه است. از طرفی، «امر کردن» نوعی «دعوت» به انجام کاری است و اتمام حجت نیز با دعوت ملازم است. بنابراین، وجوه یاد شده را می توان در چهار عنوان کلی جای داد: ۱. دعا کردن. ۲. دعوت کردن. ۳. ایمان و لوازم آن. ۴. شرک (نمودار شماره ۱).



نمودار ۱: معانی دعا

۲. معنای «قُلْ مَا يَعْجَبُوكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ» در تفاسیر فریقین

صرف نظر از اختلاف‌های بیان شده در معنای دعا، معنای ارائه شده توسط مفسران برای این آیه را در دو دسته اصلی می‌توان گنجانید. مَقْسَم این دو دسته نقش «کُم» در آیه است. همان‌طور که بیان شد، «دعا» مصدر است و ضمیر «کُم» در آیه دو نقش می‌تواند داشته باشد: ۱. نقش فاعلی، ۲. نقش مفعولی. در ادامه معنای آیه، براساس هر کدام از این دو نقش بیان می‌شود:

۲-۱. «کُم» در نقش فاعل

۱. اگر طاعت و عبادت شما نبود، خدا شما را خلق نمی‌کرد. ثعلبی و بغوی این معنا را به ابن عباس و مجاهد نسبت می‌دهند و این‌جوزی آن را روایت ضحاک از ابن عباس می‌داند (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۴۶۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۱۵۳، ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۳۳۳).
۲. اگر ایمان شما نبود، خدا شما را خلق نمی‌کرد. این معنا حاصل روایت ابی طلحه از ابن عباس است (ابن جوزی، همان).

۳. اگر دعا و عبادت شما نبود، نزد خدا هیچ ارزش و شرافتی نداشتید و با حیوانات برابر بودید (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۱۳۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۵۳).
۴. اگر برای خدا شریکانی قرار نمی دادید، خدا شما را عذاب نمی کرد. این معنا مستلزم تقدیر اضمار در آیه است و ابن جوزی آن را به ابن قتیبه نسبت می دهد (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۳۳۳).
۵. اگر دعا و استغفار شما نبود، خدا شما را خلق نمی کرد (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۳، ص ۸۵).
۶. اگر شکرگزاری شما نبود، خدا به شما توجهی نمی کرد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۴، ص ۴۸۹).
۷. اگر در میان شما مؤمنانی نبودند که خدا را عبادت کنند، شما انسان‌ها در میان مخلوقات هیچ ارزش و برتری نداشتید (خطیب، ۱۴۲۴، ج ۱۰، ص ۶۷).

۲-۲. «گم» در نقش مفعول

۱. اگر دعوت شما به اسلام (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۹، ص ۱۰۴؛ فراء، ۱۹۸۰، ج ۲، ص ۲۷۵؛ طبرانی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۸۴)، توحید (ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۸، ص ۲۴۷)، دین، طاعت (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۱۴) و اتمام حجت (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۲۴۵) بر شما منظور خدا نبود، خدا شما را مورد خطاب قرار نمی داد.
۲. بلخی: اگر بعضی از شما بعضی دیگر را به شرک و شر دعوت نمی کردید، خدا شما را عذاب نمی کرد (ابومسلم اصفهانی، ۲۰۰۹، ج ۴، ص ۲۷۲).

۳. سنجش اقوال تفسیری

- برای تعیین میزان درستی هریک از معانی و برگزیدن بهترین معنا برای آیه، لازم است محورهای زیر بررسی شود:
۱. مخاطب آیه؛
 ۲. درستی آزمایشی هر کدام از نقش فاعلی و مفعولی برای «گم»؛
 ۳. تاریخ گذاری اقوال تفسیری؛
 ۴. بررسی سیاق و مضمون آیات سوره فرقان؛
 ۵. تحلیل روایات ذیل آیه؛

۱-۳. مخاطب آیه

مفسران در تعیین مخاطب آیه با توجه به معنای «دعا»، چهار دسته را قائل شده‌اند: ۱. نوع انسان، ۲. مؤمنان، ۳. کافران، ۴. مشرکان.

الف. اگر دعا به معنای اصطلاحی باشد. مخاطب آیه یا نوع انسان است؛ اعم از مؤمن و کافر یا مؤمنان واقعی؛ زیرا فقط آنها هستند که خدا را حقیقتاً می‌خوانند و عبادت می‌کنند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۹۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۴، ص ۴۸۹؛ کاشانی، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۰۰؛ ابن جزی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۸۷).

ب. اگر دعا به معنای لغوی خود یعنی صدازدن و دعوت کردن باشد، مخاطب آیه کافران و مشرکان هستند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۹، ص ۳۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۸۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۲۴۶).

اگر برای دعا، معنای اصطلاحی و مخاطب آیه، نوع انسان یا مؤمنان در نظر گرفته شود، اشکال اصلی تطابق نداشتن صدر و ذیل آیه از نظر معنایی است؛ زیرا در انتهای آیه خداوند متعال می‌فرماید: «فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا». اگر مخاطب آیه، مؤمنان واقعی باشند، تکذیب درباره آنها معنایی ندارد. از سوی دیگر، معنای تکذیب با معنای اصطلاحی دعا سازگار نیست. در ادبیات قرآنی برای بیان مفهوم «سرباززدن از دعا» از واژه‌هایی نظیر استکبار^۱ و اعراض^۲ استفاده شده است نه واژه تکذیب. برخی از مفسران، همین عدم تناسب معنایی را دلیلی برای ضعف این دیدگاه شمرده‌اند (ابن جزی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۸۷). در مقابل، صادقی‌تهرانی در تفسیر الفرقان هر دو معنای لغوی و اصطلاحی را برای دعا جایز دانسته و وجه کاربرد تکذیب برای دعای اصطلاحی را این‌گونه بیان کرده است: «تارک دعا، تکذیب کننده سه چیز است: ۱. فقر خود در برابر خداوند متعال. ۲. غنای خداوند. ۳. وعده استجاب دعا» (صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۱، ص ۳۴۵). این‌گونه توجیه کردن و در تقدیر گرفتن معانی، موجب تکلف و همان‌طور که بیان شد، برخلاف ادبیات قرآنی است. از

۱. وَ قَالَ رَبُّكُمْ اذْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ اِنَّ الَّذِيْنَ يَشْكُرُوْنَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُوْنَ جَهَنَّمَ دَاخِرِيْنَ (غافر: ۶۰).

۲. وَ اِذَا مَسَّكُمُ الضَّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُوْنَ اِلَّا اِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّكُمْ اِلَى الْبَرِّ اَعْرَضْتُمْ وَ كَانَ الْاِنْسَانُ كَفُوْرًا (اسراء: ۶۷).

طرفی، سیاق آیات ابتدایی سوره نشان می‌دهد که سخن درباره کافران و تکذیب‌کنندگان قرآن و مقام رسالت است،^۱ و وحدت سیاق سوره اقتضاء می‌کند که تکذیب در این آیه هم به همین موضوع و همین افراد بازگردد.

۲-۳. درستی آزمایی نقش فاعلی و مفعولی برای «کُم»

وقتی مصدر به فاعلش اضافه می‌شود، بر تحقق فعل از سوی فاعل دلالت می‌کند؛ حال آنکه در این آیه، فعل محقق نشده است، زیرا در انتها نسبت تکذیب به مخاطب آیه می‌دهد که نشان از عدم تحقق فعل دارد. بنابراین، شایسته بود به جای «لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ»، بگوید: «لَوْلَا أَنْ تَدْعُوهُ» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۲۴۶).

اگر معنای «دعا» را گسترده‌تر و به معنای «عبادت» در نظر بگیریم، باز هم به کار بردن فاء تفریع در عبارت «فَقَدْ كَذَّبْتُمْ» با اضافه شدن مصدر به فاعل سازگار نیست. زیرا همان‌طور که بیان شد، این اضافه دلالت بر تحقق فعل دارد و فاء تفریع بر سر فعل «كَذَّبْتُمْ» با این دلالت سازگار نیست و در این صورت، باید عبارت «وَقَدْ كَذَّبْتُمْ» را به کار می‌برد (همان).

۳-۳. تاریخ‌گذاری اقوال تفسیری

بررسی قدمت و مبدأ ایجاد هر یک از معانی بیان شده برای آیه، می‌تواند از فهم اصیل‌تر و نزدیک‌تر به عصر نزول پرده بردارد. دقت به معنای آیه در تفاسیر فریقین برحسب تاریخ نگارش تفسیر نشان می‌دهد، در تفاسیر متقدم^۲ هیچ نشانی از معنای دعای اصطلاحی وجود

۱. آیات ۴ و ۵ و ۷.

۲. تفسیر الشهدید زید بن علی المسمی تفسیر غریب القرآن، ج ۱، ص ۲۳۱؛ تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۳، ص ۲۴۳؛ تفسیر کتاب الله العزیز (هوار)، ج ۳، ص ۱۹۴؛ تفسیر یحیی بن سلام التیمی البصری القیروانی، ج ۱، ص ۴۹۳؛ معانی القرآن (فراء)، ج ۲، ص ۲۷۵؛ احکام القرآن (جصاص)، ج ۵، ص ۲۱۴؛ تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی)، ج ۸، ص ۴۷؛ تفسیر ابن ابی زمنین، ج ۲، ص ۸۰؛ تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، ج ۲، ص ۹۰؛ تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، ج ۲، ص ۵۴۸؛ تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، ج ۸، ص ۲۷۴۵؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، ج ۱۹، ص ۳۵؛ موسوعة تفاسیر المعتزلة (تفسیر ابی بکر الأصبم - تفسیر ابی علی الجبائی - تفسیر ابی القاسم الکهلبی البلخی)، ج ۴، ص ۲۷۲؛ التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۵۱۳.

ندارد. جرجانی اولین مفسری است که اشاره‌ای به این معنا داشته است^۱ بعد از آن، طبرانی پس از بیان قول اصلی، این معنا را به عنوان نظر کم‌اهمیت‌تر مطرح می‌کند.^۲ ثعلبی اولین مفسری است که سه معنای تفسیری هم‌عرض را برای آیه ارائه می‌دهد. در یکی از آنها معنای دعا اصطلاحی است.^۳ زمخشری در تفسیر این آیه پس از آنکه معنای «عبادت» را با توجه به سیاق آیات سوره، تنها معنای درست برای «دعا» معرفی می‌کند، دو قول معنایی ضعیف را در ادامه می‌آورد که در هیچ‌یک معنای دعا اصطلاحی نیست (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۹۷). طبرسی در مجمع‌البیان چهار قول را در معنای آیه بیان می‌کند که اولی نظر مختار اوست و آن را منسوب به ابن عباس می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۵۸). در این معنا، دعا به معنای دعوت به دین و اسلام است. سه قول دیگر از نظر او اهمیت کمتری دارند. در آخرین قول بیان شده، دعا معنای اصطلاحی دارد.^۴

آنچه از بررسی اقوال تفسیری در تفاسیر متقدم فریقین برمی‌آید، این است که معنای اصطلاحی دعا در تفسیر این آیه رایج نبوده و این رویکرد در برهه‌ای از زمان شکل گرفته است. نکته دیگری که قابل توجه است اینکه، برخی مفسران با مشرب عرفانی، تنها معنای اصطلاحی دعا را در این آیه در نظر گرفته و به دیگر اقوال تفسیری حتی اشاره‌ای نداشته‌اند (ابن عربی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۹۱؛ قشیری، ۲۰۰۰، ج ۲، ص ۶۵۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۷).

۱. لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ: دعا بعضکم یعنی: المؤمنین. قال النبی علیه السلام: «لو لا رجال خشع، و صبیان رضع، و بهائم رنع لصب علیکم العذاب صباً» (جرجانی، ج ۲، ص ۳۹۱).

۲. قيل: معناه: أی وزن و قدر لکم عند ربی لو لا دعاؤکم و عبادتکم إیاه. (طبرانی، ج ۴، ص ۴۸۴).

۳. قال آخرون: قل ما یعاباً بعدابکم ربی لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ إیاه فی الشدائد، بیانه فإذا ركبوا فی الفلک دعوا الله مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ و نحوها من الآيات. أخبرنی ابن فنجویه قال: حدّثنا ابن حبیش قال: حدّثنا أبو القاسم بن الفضل قال: حدّثنا أبو حاتم قال: حدّثنا أبو طاهر بن السرح قال: حدّثنا موسی بن ربیعة الجمحی قال: سمعت الولید بن الولید یقول: بلغنی أنّ تفسیر هذه الآية قُلْ مَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ يَقُول: ما خلقتکم و بی إلیکم حاجة إلا أن تسألونی فأغفر لکم، و تسألونی فأعطیکم (ثعلبی، ج ۷، ص ۱۵۴).

۴. قيل معناه لو لا دعاؤکم له إذا مسکم ضر أو أصابکم سوء رغبة له و خضوعاً له (طبرسی، ج ۷، ص ۲۸۵).

۴-۳. بررسی سیاق و مضمون آیات سوره

این سوره ۷۷ آیه دارد و سیاق حاکم بر آن، انذار و تخویف است؛ بدون هیچ گونه بشارتی (طباطبایی، ج ۱۵، ص ۱۷۲). مضمون آیات ابتدایی، دفاع از حیثیت و حیانی قرآن کریم و شأن رسالتی رسول خدا ﷺ و وعده عذاب دردناک برای تکذیب کنندگان این دو است. (آیات ۱ تا ۱۶). در ادامه، به بیان حال امت‌های گذشته و سرنوشت آنها در تکذیب انبیا و آیت‌های ایشان می‌پردازد (آیات ۱۹ تا ۴۰). از آیه ۴۱ تا ۶۲، هدف اصلی کلام خداوند، تسلی پیامبر ﷺ در برابر تکذیب و استهزای مخالفان است. سپس، در آیات ۶۳ تا ۷۶ اوصاف عباد الرحمن را برمی‌شمرد. آیه آخر محل بحث است. آیا این آیه در ادامه اوصاف عباد الرحمن است یا معنایی هم‌سو با آیات ابتدایی سوره دارد؟ نکاتی وجود دارد که این آیه را از آیات قبل خود که بیان‌کننده اوصاف عباد الرحمن است متمایز می‌کند: ۱. التفات از مغایب به مخاطب. ۲. عبارت «فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا» در انتهای آیه نشان می‌دهد که آیه در صدد بیان ویژگی مثبت نیست، چنان‌که در آیات قبل است. از سوی دیگر، عبارت پایانی آیه نشان می‌دهد برخی مخاطبان رسول خدا ﷺ در آن زمان اهل تکذیب بودند. اما با توجه به آیات ابتدایی سوره؛ مانند آیه «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا» (فرقان: ۴)، می‌توان به دست آورد که موضوع تکذیب قرآن بوده است. به همین دلیل، حفظ مناسبت آیات ابتدایی و انتهایی در لحن و موضوع، اقتضا می‌کند این آیه، نیز لحنی انذاری داشته و موضوع تکذیب شده در این آیه همان موضوع تکذیب شده در آیات ابتدایی باشد. معنای اصطلاحی دعا نه تنها با لحن انذاری سوره سازگار نیست؛ بلکه نوعی خروج از موضوع محسوب می‌شود که دلیلی برای پذیرش آن وجود ندارد.

۵-۳. تحلیل روایات ذیل آیه

در تفاسیر روایی شیعه و عامه ذیل این آیه روایاتی وجود دارد که برای داشتن نگاهی جامع به آیه پرداختن به آن لازم است.

۱-۵-۳. روایات شیعی

۱. روایتی که طبرسی از تفسیر عیاشی نقل می‌کند: رَوَى الْقِيَاسِيُّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعِجَلِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: كَثْرَةُ الْقِرَاءَةِ أَفْضَلُ، أَمْ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ؟ قَالَ: «كَثْرَةُ الدُّعَاءِ أَفْضَلُ» وَ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۸۵).

روایتی از امامی طوسی: أخبرنا جماعة، عن أبي المفضل، قال: حدثنا عبد الله بن أبي داود السجستاني، قال: حدثنا إبراهيم بن الحسن المقسمي الطرسوسي، قال: حدثنا بشير بن زاذان، عن عمر بن صبح، عن جعفر بن محمد، عن آبائه، عن علي بن أبي طالب عليه السلام، أنه قال: إنما الدنيا عناء و فناء، و عبر و غير، فمن فناها أن الدهر موتر قوسه، مفوق نبله، يصيب الحي بالموت، و الصحيح بالسقم، و من عنائها أن المرء يجمع ما لا يأكل، و يبنى ما لا يسكن، و من عبرها أنك ترضى المغبوط مرحوما ليس بينهما إلا نعيم زال أو بؤس نزل، و من غيرها أن المرء يشرف عليه أمله فيختطفه دونه أجله. قال: و قال (عليه السلام): أربع للمرء لا عليه: الإيمان، و الشكر، فإن الله (تعالى) يقول: «ما يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَ آمَنْتُمْ» (نساء، ۱۴۷) و الاستغفار، فإنه قال: «و ما كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ وَ ما كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (انفال: ۳۳) و الدعاء، فإنه قال: «قُلْ مَا يَعْتَبِرُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ» (فرقان: ۷۷) (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۴۹۳).

درباره این دو روایت، صرف نظر از ضعف سندی، باید نکاتی را در نظر گرفت: ۱. طبرسی اگرچه این روایت را در مجمع البیان ذکر کرده است، ولی نظرش درباره معنای آیه مطابق با آن نیست؛ بلکه این روایت را شاهی برای معنای مرجوح آیه بیان می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۸۴). علاوه بر این، اگرچه در متون روایی متقدم شیعه، احادیثی مبنی بر افضل بودن دعا در میان عبادات و محبوب‌تر بودن آن نزد خداوند متعال وجود دارد،^۱ ولی در هیچ کدام به این آیه اشاره‌ای نشده است. در این روایت نیز اشاره به آیه به صورت صریح

۱. علی بن ابراهیم عن أبيه عن حماد بن عيسى عن حريز عن زرارة عن أبي جعفر عليه السلام قال: إن الله عز و جل يقول- إن الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين^۱ قال هو الدعاء و أفضل العبادة الدعاء قلت إن ابراهيم لأواه حلیم قال الأواه هو الدعاء. و محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد بن محمد بن إسماعيل و ابن محبوب جميعا عن حنان بن سدير عن أبيه قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام أي العبادة أفضل فقال ما من شيء أفضل عند الله عز و جل من أن يسئل و يطلب مما عنده و ما أحد أبغض إلى الله عز و جل ممن يستكبر عن عبادته و لا يسأل ما عنده (كليني، ج ۲، ص ۴۶۶).

و با ذکر آیه نیست، بلکه با اسم اشاره آمده است که احتمال خطا در آن وجود دارد. علامه طباطبایی در نقد این روایت می‌گوید: «در انطباق آیه با آنچه در روایت است. ابهام وجود دارد» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۲۴۸). دربارهٔ روایت دوم باید گفت: با اینکه منع آن امالی طوسی است، ولی شیخ در تفسیر تبیان اشاره‌ای به این روایت نمی‌کند و حتی در وجوه معنایی آیه، اشاره به وجهی که در آن واژه دعا معنای اصطلاحی دارد، نمی‌کند (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۵۱۳). علاوه بر آن، قرائن سیاقی و شواهد نحوی و استناد به تاریخ‌گذاری اقوال تفسیری بیان شده، دارای میزانی از قوام و استحکام است که این دو روایت با این درجه از صحت سند و قوت دلالت، توان مقابله با آن را ندارد. نکتهٔ دیگری که تأمل برانگیز است اینکه، اگر این آیه در صدد بیان جایگاه و عظمت دعا باشد، آیه‌ای منحصر به فرد در بیان این موضوع است. چگونه ممکن است چنین آیه‌ای با این درجه از صراحت و بلندی مضمون برای تشویق به دعا و بیان جایگاه آن در احادیث ابواب دعای کتب معتبر شیعه حتی یک‌بار هم نباشد؟

۲-۵-۳. روایات عامه

- در تفسیر درالمثور ذیل این آیه سه روایت آمده است (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۸۲):
۱. أخرج ابن جریر و ابن المنذر و ابن ابی حاتم عن ابن عباس رضی الله عنهما قُلْ مَا يَعْزُبُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ يَقُولُ لَوْلَا اِيْمَانُكُمْ فَأَخْبِرَ اللهُ اَنَّهُ لَا حَاجَةَ لَهُ بِهِمْ إِذْ لَوْ يَخْلُقُهُمْ مُؤْمِنِينَ وَ لَوْ كَانَتْ لَهُ بِهِمْ حَاجَةٌ لَحَبِبَ إِلَيْهِمُ الْاِيْمَانُ كَمَا حَبِبَ إِلَيْهِ الْمُؤْمِنِينَ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا قَالَ مَوْتَا.
 ۲. و أخرج الفريابي و ابن أبي شيبة و عبد بن حميد و ابن جرير و ابن المنذر و ابن أبي حاتم عن مجاهد رضي الله عنه قُلْ مَا يَعْزُبُا بِكُمْ رَبِّي قَالَ مَا يَفْعَلُ لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ قَالَ لَوْلَا دَعَاؤُهُ إِيَّاكُمْ لِتَعْبُدُوهُ وَ تَطِيعُوهُ.
 ۳. و أخرج ابن أبي حاتم و أبو الشيخ في العظمة عن الوليد بن أبي الوليد قال بلغني ان تفسیر هذه الآية قُلْ مَا يَعْزُبُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ أَي مَا خَلَقْتُمْ لِي بِكُمْ حَاجَةٌ اِلَّا اَنْ تَسْأَلُونِي فَاغْفِرْ لَكُمْ وَ تَسْأَلُونِي فَأَعْطِيكُمْ.

این سه روایت نیز با چشم‌پوشی از بحث‌های سندی، سه‌معنا را برای آیه بیان می‌کند:

۱. ابن عباس: خدا هیچ حاجتی به آنها (کافران) ندارد. اگر احتیاجی داشت ایمان را محبوبشان می‌کرد؛ همان‌طور که محبوب مؤمنان کرد.

۲. مجاهد: اگر خواست خدا برای دعوت شما به عبادت و اطاعت خود نبود، هیچ توجهی به شما نمی‌کرد.

۳. ولید بن ابی‌الولید: هیچ احتیاجی به شما از خلقتتان ندارم، مگر آنکه مرا بخوانید تا شما را بیخشم و به شما عطا کنم.

در بررسی این سه معنا باید گفت: معنای اول و دوم منسوب به مفسران از طبقه صحابه و تابعان است. به همین دلیل، از نظر زمانی متقدم و از اعتبار بیشتری برخوردار است؛ در حالی که معنای سوم منتسب به ولید بن ابی‌الولید است که نام او در زمره طبقات مفسران وجود ندارد.

اکنون پس از بررسی‌های پنج‌گانه می‌توان گفت، معنای دعوت کردن برای دعا در این آیه مناسب‌ترین معناست و «گم» در آیه نقش مفعولی دارد. زیرا هم با سیاق و لحن آیات سوره سازگار است و هم با ساختار نحوی آیه. از سوی دیگر، نظر مفسران متقدم نیز بر همین رأی است. مضمون دعوت (مدعو به) می‌تواند طاعت، توحید و اسلام باشد، زیرا هر سه با معنای آیه سازگار است و معنای صحیح آیه چنین است: «اگر خدا نمی‌خواست شما (کافران و مشرکان) را به اسلام دعوت کند، هیچ اعتنایی به شما نمی‌کرد و شما را مورد خطاب (به وسیله قرآن و رسولش) قرار نمی‌داد؛ اما شما (قرآن و رسول خدا ﷺ را) تکذیب کردید و عاقبت این تکذیب ملازم شما خواهد شد».

۴. نقد استدلال‌های دیدگاه مخالف

سنجش میزان درستی و قوام دیدگاه مخالف، برای داشتن نگاه جامع به موضوع لازم است. در میان تفاسیری که به معنای مشهور آیه معتقدند، تفسیر من وحی القرآن اصلی‌ترین استدلال‌ها را در اثبات معنای مشهور و نفی معنای مختار، بیان کرده است. در این مجال، به تبیین سخن تفسیر من وحی القرآن و بیان اشکال‌های آن پرداخته می‌شود.

در تفسیر من وحی القرآن آمده است: «أما المعنى الثاني، فإنه لا يلائم تفسر قوله فَقَدْ كَذَّبْتُمْ عَلَيْهِ، و كان عليه من حق الكلام أن يقال: وقد كذبتهم، على أن المصدر المضاف إلى فاعله يدلّ

علی تحقق الفعل منه و تلبسه به، و هم غیر متلبسین بدعائه و عبادته تعالی، فكان من حق الكلام علی هذا التقدير أن يقال: لولا أن تدعوه.

و لكننا نلاحظ علی هذا الاختيار التفسيري، أن المعنى الثاني أقرب، لأن الظاهر من الآية هو التركيز علی العنصر الذي ينال به الناس اعتناء الله بهم و رعايته لهم، مما يصدر عنهم، لا مما يصدر منه، تماما كما تقول: لا قدر لك عندي لو لا فعلك الكذائي، أو لو لا قرابتك، أو ما أشبه ذلك، مما يوحي بأن مدخول «لولا» هو الشيء الذي يستحق بلحاظه القرب إليه و الاعتناء به، ليكون المعنى أن الدعا هو الذي يمنحك رعاية الله و عنايته بكم، باعتبار ما يمثله من الدلالة علی إيمانكم به و خضوعكم له .. و لكنكم لم تفعلوا ذلك لأنكم لم تلتزموا خط الإيمان، فقد كذبتكم به و برسله، و تمرتكم عليه، و خضعتم لغيره، و دعوتكم سواء، فسوف يكون إبعاده لكم لزاماً لأنكم لم تأخذوا بسبب القرب إليه.

أما حديث اقتضاء إضافة المصدر إلى فاعله و وقوعه منه، فقد يكون ذلك لو كان الحديث عن الماضي، أما عند ما يكون الحديث عن العلاقة بين شيء و شيء في ما يجب أن يكون أو يحدث من أجل تحققه، فإنه لا يقتضي ذلك، أو ليس ظاهراً فيه علی الأقل.

و قد وردت الرواية عن الإمام محمد الباقر عليه السلام كما ذكره العياشي في تفسيره بإسناده عن بريد بن معاوية العجلي قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام كثرة القراءة أفضل أو كثرة الدعا؟ قال: كثرة الدعا؛ أفضل، و قرأ هذه الآية « (فضل الله، ۱۶۱۹ / ۱۷، ۸۴).

۱-۴. اشکالها

۱-۱-۴. پیش فرض معنای ظاهری آیه بر مبنای معنای اصطلاحی دعا

مفسر معتقد است: معنای ظاهری آیه بیانگر عنصری است که به واسطه آن اعتنا و رعایت خداوند به انسان می رسد و این عنصر، کاری است که از بنده سر می زند نه از خداوند متعال. در نقد این فقره از سخن باید گفت، استناد مفسر به معنای ظاهری آیه است. دیدگاه مخالف نیز معنای مقصود خود را از ظاهر آیه برداشت می کند. بنابراین، از این منظر، هر دو دیدگاه از نظر قوام استدلال یکسانند.

۲-۱-۴. تبیین معنای آیه در قالب قضیه حقیقه

اصلی ترین اشکال وارد بر استدلال مفسر این است که، ایشان آیه را گزاره ای بیانگر قضیه حقیقه می پندارد و در معنای آیه چنین می گوید: «اگر دعای شما نباشد خدا به شما هیچ

توجه و اعتنایی نمی‌کند. ولی شما چون ایمان ندارید و خدا و رسولانش را تکذیب کردید؛ وسیله قرب به او (دعا) را اتخاذ نکردید؛ به همین سبب، دوری از او ملازم شما شد». بنابراین، با توجه به معنای بیان شده، مفسر معتقد است که در این آیه، به دلیل عدم تحقق مدخول لولا (دعا)، قسمت اول آیه یعنی (یعناً) که به معنای توجه و عنایت خداوند است نیز محقق نشده است و حال آنکه بر هر که با قرآن اندک آشنایی دارد پوشیده نیست که خداوند بارها در قرآن به کافران توجه کرده و آنها را مورد خطاب قرار داده است. پس چون این توجه محقق شده است، بایستی مدخول لولا نیز واقع شده باشد که در این صورت، نمی‌تواند دعا به معنای اصطلاحی باشد و معنای خطاب کردن، فراخواندن برای اتمام حجت، معنایی مناسب‌تر است.

۳-۱-۴. عدم تطابق مثال‌های ارائه شده با ادعاهای مؤلف

مثال‌هایی که مؤلف در ابتدای سخن خود آورده، اگرچه که در اثبات متعلق بودن مدخول لولا (دعا) به ناس و نه به الله به کار رفته‌است، ولی با ادامه سخن ایشان هماهنگ نیست. زیرا در هر دو مثال «لا قدر لک عندی لولا فعلک الکذائی» و «لا قدر لک عندی لولا قرابتک»، آنچه قطعی است، محقق بودن صدر مثال است به سبب تحقق مدخول لولا؛ یعنی چون قرابت وجود دارد و آن فعل انجام شده است، قدر و ارزش وجود دارد. بنابراین، در مثال‌های مؤلف نیز در تحقق صدر مثال، هیچ تردیدی برای مخاطب وجود ندارد. حال آنکه از نظر ایشان در آیه مورد نظر، به دلیل عدم تحقق مدخول لولا عنایت و توجه الهی نیز محقق نشده است. این تفاوت در مواجهه با دو جمله که به لحاظ ساختاری کاملاً شبیه هم هستند بی دلیل است. از سوی دیگر، بنا بر ادعای ایشان اضافه مصدر به فاعل، لزوماً دلالت بر تحقق فعل ندارد؛ حال آنکه در هر دو مثال ایشان مصدر به فاعل اضافه شده است و تحقق فعل (ارزش مخاطب نزد متکلم) در آن یقینی است.

۵. نتیجه‌گیری

آیه ۷۷ سوره فرقان به عنوان شاهی برای تبیین جایگاه بلند دعا شهرت یافته است. مراجعه به تفاسیر نشان می‌دهد، این برداشت از آیه تنها یکی از معانی مختلف بیان شده به وسیله مفسران است. بررسی اقوال مفسران نشان می‌دهد، اختلاف وجوه معنایی این آیه

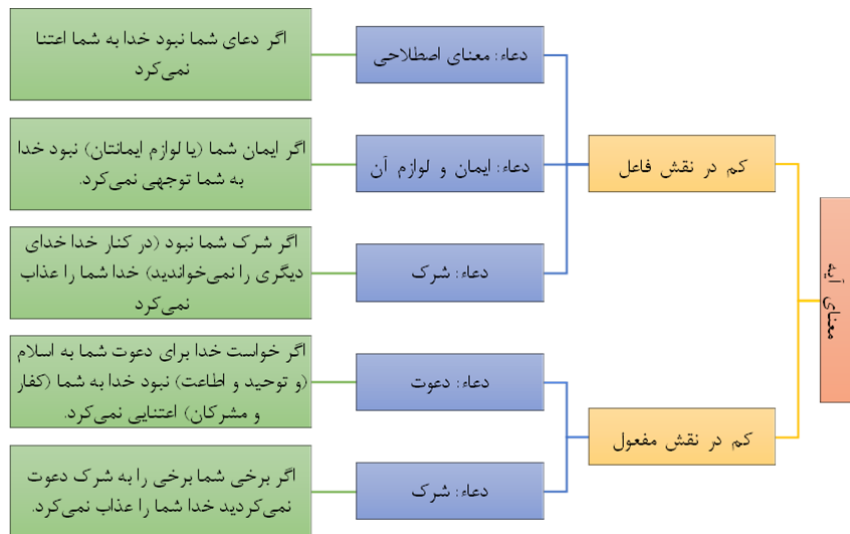
ناشی از تفاوت دیدگاه در معنای دعا و نقش ضمیر «کُم» در آیه است. اگرچه معانی بیان شده برای دعا در این آیه، متجاوز از ۱۰ معناست، ولی می‌توان آنها را در چهار دسته کلی گنجانند: ۱. دعوت کردن. ۲. دعا. ۳. ایمان یا لوازم آن (شکر، عبادت، اطاعت و...). ۴. شرک. معانی بیان شده برای آیه نیز با توجه به نقش فاعلی یا مفعولی «کُم» پنج معنا است: (نمودار ۲).

کم در نقش فاعل

۱. اگر ایمان شما (یا لوازم ایمانتان) نبود، خدا به شما توجهی نمی‌کرد.
۲. اگر دعای شما نبود، خدا به شما اعتنایی نمی‌کرد.
۳. اگر شرک شما نبود (در کنار خدا خدای دیگری را نمی‌خواندید)، خدا شما را عذاب نمی‌کرد (مستلزم تقدیر اضممار در آیه).

کم در نقش مفعول

۱. اگر خواست خدا برای دعوت شما به اسلام (و توحید و اطاعت) نبود، خدا به شما (کفار و مشرکان) اعتنایی نمی‌کرد.
 ۲. اگر برخی شما برخی را به شرک دعوت نمی‌کردید، خدا شما را عذاب نمی‌کرد.
- بررسی پنج محور ۱. مخاطب آیه، ۲. درستی آزمایشی هر کدام از نقش فاعلی و مفعولی برای «کُم»، ۳. تاریخ‌گذاری اقوال تفسیری، ۴. بررسی سیاق و مضمون آیات سوره، ۵. تحلیل روایات ذیل آیه، نشان می‌دهد: معنای دعوت کردن برای دعا و نقش مفعولی برای «کُم» رجحان دارد و معنای صحیح آیه چنین است: «اگر خدا نمی‌خواست شما (کافران و مشرکان) را به اسلام دعوت کند، هیچ اعتنایی به شما نمی‌کرد و شما را مورد خطاب (به وسیله قرآن و رسولش) قرار نمی‌داد؛ اما شما (قرآن و رسول خدا ﷺ را) تکذیب، کردید و عاقبت این تکذیب ملازم شما خواهد شد». بنابراین، استناد به این آیه برای تبیین اهمیت دعا نزد خداوند متعال استنادی است که نه تنها با سیاق آیه و مخاطب آن ناسازگار است؛ بلکه این برداشت از آیه در میان مفسران متقدم نیز وجود نداشته و در بدو حضور میان اقوال تفسیری نه به‌عنوان قولی هم‌عرض با بقیه اقوال، بلکه به‌عنوان قول مرجوح، پدیدار شده است.



نمودار ۲: اقوال معنایی آیه

منابع

قرآن کریم.

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله؛ *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*؛ علی عبدالباری عطیه؛ چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد؛ *تفسیر القرآن العظیم*؛ اسعد محمد طیب؛ چاپ سوم، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ق.
۳. ابن ابی زینب، محمد بن عبدالله؛ *تفسیر ابن ابی زینب*؛ چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
۴. ابن جزی، محمد بن احمد؛ *التسهیل لعلوم التنزیل*؛ عبدالله خالدی؛ چاپ اول، بیروت: شركة دارالأرقم بن أبی الأرقم، ۱۴۱۶ق.
۵. ابن جوزی، عبدالله بن علی؛ *زاد المسیر فی علم التفسیر*؛ چاپ اول، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
۶. ابن عاشور، محمد طاهر؛ *تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*؛ چاپ اول، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۷. ابن عربی، محمد بن علی؛ *تفسیر ابن عربی (تأویلات عبدالرزاق)*؛ سمیر مصطفی رباب؛ چاپ اول، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۸. ابن فارس، احمد بن فارس؛ *معجم مقاییس اللغة*؛ عبدالسلام محمد هارون؛ چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۹. ابومسلم اصفهانی، محمد بن بحر؛ *موسوعة تفاسیر المعتزلة (تفسیر أبی بکر الأضمر - تفسیر أبی علی الجبائی - تفسیر أبی القاسم الکعبی البلیخی)*؛ عبدالجبار بن احمد قاضی و عبدالرحمن بن کیسان ابن کیسان و محمد بن عبد الوهاب جبائی؛ چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه منشورات محمدعلی بیضون، ۲۰۰۹م.
۱۰. ازهری، محمد بن احمد؛ *تهذیب اللغة*؛ چاپ اول، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۱۱. بغوی، حسین بن مسعود؛ *تفسیر البغوی المسمى المعالم التنزیل*؛ مهدی عبدالرزاق؛ چاپ اول، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر؛ *أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)*؛ محمد عبدالرحمن مرعشلی؛ چاپ اول، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۱۳. تیمی، یحیی بن سلام؛ *تفسیر یحیی بن سلام التیمی البصری القیروانی*؛ چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۲۵ق.
۱۴. ثعلبی، احمد بن محمد؛ *الکشف و البیان المعروف بتفسیر الثعلبی*؛ ابی محمد ابن عاشور؛ چاپ اول، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۵. جصاص، احمد بن علی؛ *احکام القرآن*؛ چاپ اول، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۱۶. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ *الصحاح*؛ احمد عبدالغفور عطار؛ چاپ اول، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶هـ.
۱۷. خزرجی، احمد بن عبدالصمد، *الخزرجی المسمى نفس الصباح فی غریب القرآن و ناسخه و منسوخه*؛ چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۲۴ق.
۱۸. خطیب، عبدالکریم؛ *التفسیر القرآنی للقرآن*؛ چاپ اول، بیروت: دارالفکر العربی، ۱۴۲۴ق.
۱۹. دینوری، عبدالله بن محمد؛ *ابن وهب المسمى الواضح فی تفسیر القرآن الکریم*؛ چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۲۴ق.

۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد: **مفردات الفاظ القرآن**؛ چاپ اول، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲هـ.
۲۱. زبیدی، محمد بن محمد: **تاج العروس من جواهر القاموس**؛ چاپ اول، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۲۲. زمخشری، محمود بن عمر: **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل**؛ مصطفی حسین احمد؛ چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۳. زمخشری، محمود بن عمر: **أساس البلاغة**؛ چاپ اول، بیروت: دارصادر، ۱۹۷۹م.
۲۴. سمرقندی، نصر بن محمد: **تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم**؛ عمر عمری؛ چاپ اول، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
۲۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر: **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**؛ چاپ اول، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۰۴ق.
۲۶. صاحب، اسماعیل بن عباد: **المحیط فی اللغة**؛ محمد حسن آل یاسین؛ چاپ اول، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۴ق.
۲۷. صادقی تهرانی، محمد: **الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة**؛ چاپ دوم، قم: فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد: **العین**؛ چاپ دوم، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۲۹. فضل الله، سید محمد حسین، **تفسیر من وحی القرآن**، دارالملاک للطباعة والنشر، چاپ دوم، بیروت: ۱۴۱۹ق.
۳۰. طباطبایی، سید محمد حسین: **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۳۱. طبرانی، سلیمان بن احمد: **التفسیر الکبیر تفسیر القرآن العظیم**؛ چاپ اول، اردن: دارالکتاب الثقافی، ۲۰۰۸م.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن: **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**؛ هاشم رسولی، فضل الله یزدی طباطبایی؛ چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۳۳. طبری، محمد بن جریر: **جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر طبری)**؛ چاپ اول، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن: **التبیان فی تفسیر القرآن**؛ احمد حبیب عاملی؛ چاپ اول، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۳۵. طوسی، محمد بن الحسن: **الأمالی (للطوسی)**؛ مؤسسه البعثة؛ قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
۳۶. فراء، یحیی بن زیاد: **معانی القرآن**؛ محمد علی نجار و احمد یوسف نجاتی؛ چاپ اول، قاهره: لهیئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۸۰م.
۳۷. فخر رازی، محمد بن عمر: **التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)**؛ چاپ سوم، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۳۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب: **القاموس المحیط**؛ چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۳۹. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی: **تفسیر الصافی**؛ حسین اعلمی؛ چاپ دوم، تهران: دارالصدر، ۱۴۱۵ق.
۴۰. فیومی، احمد بن محمد: **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی**؛ چاپ دوم، قم: مؤسسه دارالحجره، ۱۴۱۴ق.
۴۱. قرطبی، محمد بن احمد: **الجامع لاحکام القرآن**؛ چاپ اول، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۴۲. قشیری، عبدالکریم بن هوازن: **لطائف الاشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم**؛ ابراهیم بسیونی؛ چاپ سوم قاهره: لهیئة المصرية العامة للكتاب، ۲۰۰۰م.
۴۳. کاشانی، فتح الله بن شکر الله: **منهج الصادقین فی الزام المخالفین**؛ چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۴۴. کاشانی، فتح الله بن شکر الله: **زبده التفاسیر**؛ چاپ اول، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۳ق.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب: **الکافی (ط-الاسلامیه)**؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

۴۶. ماتریدی، محمد بن محمد؛ *تأویلات اهل السنه (تفسیر ماتریدی)*؛ مجدی باسلوم؛ چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۶ق.
۴۷. مصطفوی، حسن؛ *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*؛ چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۰ق.
۴۸. مکی بن حموش؛ *الهدایه الی البلوغ النهایه: شاهدیوشیخی؛ جامعه الشارقه*، چاپ اول، شارجه: کلیه الدراسات العلیا و البحت العلمی، ۱۴۲۹ق.
۴۹. هواری، هود بن محکم؛ *تفسیر کتاب الله العزیز*؛ چاپ اول، بی جا: دارالبصائر، ۱۴۲۶ق.

References

- *The Noble Qur'an*.
- Abu Muslim Isfahani, Muhammad ibn Bahr (2009). *Musu'ah Tafasir al-Mu'tazilah*. 1st Ed., Beirut: Dar al-Kotob al-Elimah (Mansurat Muhammad Ali Beizun).
- Alusi, Mahmud bin Abd ol-Lah (1415 A.H). *Rooh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azim vas-Sab' al-Mathani*. Ali Abd ol-Bari Atiah. 1st Ed., Beirut: Dar al-Kotob al-Elmah.
- Azhari, Muhammad ibn Ahmad (1421 A.H). *Tahzib al-Loghah*. 1st Ed., Beirut: Dar Ehya' at-Turath al-Arabi.
- Baghavi, Hussain ibn Mas'ud (1420 A.H). *Tafsir al-Baghavi al-Musamma al-Ma'alam at-Tanzil*. Muhammad Abd or-Razzaq, 1st Ed., Beirut: Dar Ehya' at-Turath al-Arabi.
- Beizawi, Abd ol-Lah bin Umar (1418 A.H). *Anwar at-Tanzil va Asrar at-Ta'wil (Tafsir al-Beizawi)*. Muhammad Abd or-Rahman Mar'ashi, 1st Ed., Beirut: Dar Ehya' at-Turath al-Arabi.
- Deinuri, Abd ol-Lah ibn Muhammad (1424 A.H). *Ibn Vahab al-Musamma al-Vazih fi Tafsir al-Qur'an al-Karim*. 1st Ed., Beirut: Dar al-Kotob al-Elmah-Mansurat Muhammad Ali Bizun.
- Fakhri Razi, Muhammad bin Umar (1420 A.H). *At-Tafsir al-Kabir (Mafatih ol-Ghayb)*. 3rd Ed., Beirut: Dar Ehya' at-Turath al-Arabi.
- Fara', Yahya ibn Ziyad (1980). *Ma'ani al-Qur'an*. Edited by Muhammad Ali Najjar & Ahmad Yusuf Nejadi, 1st Ed., Egypt: Hei'at al-Mesriah al-Ammah lel-Kitab.
- Farahidi, Khalil bin Ahmad (1409 A.H). *Al-Ayn*. 2nd Ed., Qom: Hijrat.
- Fazl ol-Lah, Seyed Muhammad Hossein (1419 A.H). *Tafsir Min Wahy al-Qur'an*. 2nd Ed., Beirut: Dar al-Melak.
- Feiz Kashani, Mulla ibn Shah Murteza (1415 A.H). *Tafsir as-Safi*. Researched by Hossein A'lami, 2nd Ed., Tehran: Dar as-Sadr.
- Firouzabadi, Muhammad ibn Ya'qub (1415 A.H). *Al-Qamus al-Muhit*. 1st Ed., Beirut: Dar al-Kotob al-Elmah.
- Fiumi, Ahmad bin Muhammad (1414 A.H). *Al-Misbah al-Munir fi Gharib ash-Sharh al-Kabir*. 2nd Ed., Qom: Dar al-Hijrah.
- Havari, Hud ibn Muhkam (1426 A.H). *Tafsir Kitab Allah al-Aziz*. 1st Ed., N.P: Dar ol-Basa'er.
- Ibn Abi Hatam, Abd or-Rahman ibn Muhammad (1419 A.H). *Tafsir al-Qur'an al-Azim*. As'ad Muhammad Tayyeb, 3rd Ed., Riyadh: Maktabah Nazar Mustafa al-Baz.
- Ibn Abi Zamin, Muhammad ibn Abd ol-Lah (1424 A.H). *Tafsir ibn Abi Zamin*. 1st Ed., Beirut: Dar al-Arqam ibn Abi al-Arqam.
- Ibn Arabi, Muhammad ibn Ali, (1422 A.H). *Tafsir ibn Arabi (Ta'wilat Abd or-Razzaq)*. Samir Mustafa Rabab, 1st Ed., Beirut: Dar Ehya' at-Turath al-Arabi.
- Ibn Ashur, Muhammad Tahir (1420 A.H). *Tafsir at-Tahrir vat-Tanvir al-Ma'ruf be-Tafsir ibn Ashur*. 1st Ed., Beirut: Institute of Arabic History.
- Ibn Fares, Ahmad ibn Fares (1404 A.H). *Mo'jam Maqaiis al-Loghah*. Abd os-Salam, 1st Ed., Beirut: Al-E'lam al-Islami.
- Ibn Juzay, Muhammad ibn Ali (1416 A.H). *At-Tashil le-Ulum at-Tanzil*. Abd ol-Lah Khaledi, 1st Ed., Beirut: Dar al-Arqam ibn Abi al-Arqam.
- Ibn Juzay, Muhammad ibn Ali (1422 A.H). *Zad al-Masir fi Elm at-Tafsir*. 1st Ed., Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Jassas, Ahmad ibn Ali (1405 A.H). *Ahkam al-Qur'an (Jassas)*. Beirut: Dar Ehya' at-Turath al-Arabi.
- Johari, Isma'il ibn Himad (1376 S.H). *As-Sahhah*. Researched by Abd ol-Ghafur Attar, 1st Ed., Beirut: Dar al-Elm lel-Mollaiin.

- Kashani, Fath ol-Lah ibn Shokr ol-Lah (N.D). *Munhaj as-Sadeghin fi Ilzam al-Mukhalefin*. 1st Ed., Tehran: Islamiyah.
- Kashani, Molla Fath ol-Lah ibn Shor ol-Lah (1423 A.H). *Zobdah at-Tafasir*. 1st Ed., Qom: Islamic Theology Foundation.
- Khatib, Abd ol-Karim (1390 S.H). *At-Tafsir al-Qur'an lel-Qur'an*. 1st Ed., Beirut: Dar al-Fekr al-Arabi.
- Khazraji, Ahamad ibn Ab dos-Samad (1424 A.H). *Al-Khazraji al-Musamma Nafs as-Sabbah fi Gharib al-Qur'an va Nasekhah va Mansukhah*. 1st Ed., Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiah Manshurat Muhammad Ali Beizun.
- Koleini, Muhammad bin Ya'qub (1407 A.H). *Al-Kafi (Al-Islamiyah)*. Researched by Ali Akbar Ghaffari & Muhammad Akhundi. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah.
- Maki bin Hamush (1429 A.H). *Al-Hidayah ela al-Bolugh an-Nahayah*. Edited by Shahed Yusheikhi, 1st Ed., Sharjah: Ad-Dirasat al-Olya val-Bahth al-Elmi.
- Matrudi, Muhammad bin Muhammad (1416 A.H). *Ta'wilat Ahl as-Sannah (Tafsir-e Matrudi)*. 1st Ed., Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiah-Manshurat Mohammad Ali Bizun.
- Mostafawi, Hasan (1430 A.H). *At-Tahqiq fi Kalamat al-Qur'an al-Karim*. 3rd Ed., Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiah.
- Qashiri, Abd ol-Karim Havazen (2000). *Lata'ef ol-Esharat (Tafsir Sufi Kamel lel-Qur'an al-Karm)*. Edited by Ibrahim Basiuni, 3rd Ed., Cairo: Egyptian Assembly for Book.
- Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad (1364 S.H). *Al-Jami' al-Ahkam al-Qur'an*. 1st Ed., Tehran: Naser Khosrow.
- Raghīb Isfahani, Hussain ibn Muhammad (1412 A.H). *Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an*. 1st Ed., Beirut: Dar al-Qalam.
- Sadeqi Tehrani, Muhammad (1406 A.H). *Al-Forqan fi Tafsir al-Qur'an bel-Qur'an vas-Sannah*. 2nd Ed., Qom: Islamic Culture.
- Sahib, Isma'il ibn Ebad (1414 A.H). *Al-Muhit fil-Loghah*. Edited by Muhammad Hasan Ale Yasin. 1st Ed., Beirut: Alam al-Kitab.
- Samarqandi, Nasr ibn (1416 A.H). *Tafsir as-Samarqandi al-Musamma Bahr al-Ulum*. Umar Amravi, 1st Ed., Beirut: Dar al-Fekr.
- Suyuti, Abd or-Rahman ibn Abi Bakr (1404 A.H). *Ad-Dur al-Manthur fit-Tafsir bel-Ma'thur*. 1st Ed., Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Public Library
- Tabarani, Sulayman ibn Ahmad (2008). *At-Tafsir al-Kabir Tafsir al-Qur'an al-Azim*. 1st Ed., Jordan: Dar al-Kitab ath-Thaqafi.
- Tabari, Muhammad bin Jarir (1412 A.H). *Jame' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an (Tafsir-e Tabari)*. 1st Ed., Beirut: Dar ol-Ma'rifah.
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan (1372 S.H). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. 3rd Ed., Tehran: Naser Khosrow.
- Tabatabaii, Seyed Mohammad Hussein (1390 S.H). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. 2nd Ed., Beirut: Scientific Institute for Journalism.
- Tayyemi, Yahya ibn Salam (1425 A.H). *Tafsir Yahya ibn Salam at-Tayyemi al-Basari al-Qirwani*. 1st Ed., Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiah Manshurat Muhammad Ali Beizun.
- Tha'labi, Abu Ishaq (1422 A.H). *Al-Kashf va al-Bayan al-Ma'ruf Tafsir ath-Tha'labi*. Abi Muhammad ibn Ashur, 1st Ed., Beirut: Dar Ehya' at-Turath al-Arabi.
- Tusi, Muhammad ibn al-Hasan (1414 A.H). *Al-Amali (Let-Tusi)*. Qom: Dar oth-Thiqafah.
- Tusi, Muhammad ibn al-Hasan (N.D). *At-Tebyan fi Tafsir al-Qur'an*. Edited by Ahamd Habib Ameli, 1st Ed., Beirut: Dar Ehya' at-Turath al-Arabi.
- Zamakhshari, Mahmud bin Umar (1407 A.H). *Al-Kashshaf an Haqa'iq Ghavamiz at-Tanzil va Uyun al-Aqawil fi Vojuh at-Ta'wil*. Mustafa Hussain Ahmad, 3rd Ed., Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Zamakhshari, Mahmud bin Umar (1979). *Asas ol-Balahjh*. 1st Ed., Beirut: Dar Sader
- Zobeydi Hanafi, Muhammad ibn Muhammad (1414 A.H). *Taj ol-Arus min Jawahir al-Qamus*. 1st Ed., Beirut: Dar al-Fekr.